آرمان ملی
armanmeli.ir
سال هشتم
شماره ۲۲۶۳
شنبه
۱۴۰۴•۰۹•۰۸
۰۸ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷ / ۲۹ نوامبر ۲۰۲۵

گزارش

چرا روابط تهران و مسکو پس از جنگ مطابق انتظار پیش نرفت؟

موازنه در حال تغییر؟

پس از آنکه روسیه در ژوئن گذشته هنگام حمله اسرائیل و ایالات متحده به ایران مداخله موثری نکرد، بسیاری انتظار داشتند روابط مسکو و تهران بار دیگر سرد شود؛ روابطی که بعد از حمله روسیه به اوکراین در ۲۰۲۲ دوباره گرم شده بود. اما در واقع اتفاق برعکسی افتاد: جنگ دوازده روزه، تهران را بیش از پیش به مسکو نزدیک کرد و به توافق‌های جدید همکاری از جمله در حوزه هسته‌ای انجامید.

شرکای پس از جنگ

اندیشکده کارنگی مدعی شد؛ به‌طور کلی، اتکای تهران به همکاری با مسکو رو به افزایش است. جنگ دوازده‌روزه نه‌تنها تردیدها درباره قابلیت اتکای روسیه را افزایش نداد، بلکه بار دیگر تهران را قانع کرد که شریکی بهتر از روسیه و چین ندارد. در واقع عواملی که تهران را به آغوش مسکو می‌رانند یعنی انزوای بین‌المللی و ترس از جنگ، در ماه‌های اخیر تشدید شده‌اند. تحریم‌ها یا سازمان ملل که دوباره اعمال شده و اتحادیه اروپا تحت مکانیزم اسنپ‌بک، به‌اندازه بازگشت تحریم‌های آمریکا در ۲۰۱۸ دردناک نیستند، اما احتمالاً همان معدود شرکای اروپایی باقی‌مانده را نیز از تهران دور خواهند کرد. تجارت ایران با اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر حدود ۴.۵ میلیارد دلار بوده، یعنی کمتر از ۴ درصد تجارت خارجی ایران. در عین حال، تهران پیشاپیش در انتخاب کشورهای شریک بسیار محدود بود و محدودیت‌های جدید اثر دردناک، اگر نگوییم فاجعه‌بار خواهند داشت. توسعه روابط با روسیه قرار است دست‌کم بخشی از این خسارت‌ها را جبران کند. علاوه بر این، ایران هر روز بیشتر در یک بحران اقتصادی ساختاری فرو می‌رود؛ بحرانی ناشی از ترکیبی از تحریم‌ها، سیاست‌های اجتماعی ناکارآمد، تغییرات اقلیمی و پیامدهای جنگ اخیر. کشور به‌شدت به سرمایه‌گذاری نیاز دارد، و روسیه یکی از معدود منابع باقی‌مانده است. حجم سرمایه‌گذاری روسیه هنوز چندان چشمگیر نیست: حدود ۳ تا ۴ میلیارد دلار در سال، در سال‌های اخیر، اما این رقم به‌تدریج در حال افزایش است و پروژه‌های جدیدی که در بالا ذکر شد ممکن است این روند را سرعت ببخشد.

اولویت تهران

اولویت ایران، کاهش خطر حملات احتمالی جدید اسرائیل و آمریکا است. جنگ دوازده‌روزه ضعف‌های ایران را آشکار کرد. افزون بر این، حملات ژوئن تنها بخشی از برنامه هسته‌ای و توان موشکی ایران را نابود کرد، بنابراین احتمال حملات بیشتر همچنان بالاست. نقش روسیه به‌عنوان بازدارنده در این زمینه چندلایه‌تر از صرفاً ارسال سلاح است، سلاح‌هایی که اثر واقعی‌شان تنها در بلندمدت مشخص خواهد شد. در جریان جنگ دوازده‌روزه، اسرائیل از هدف‌گرفتن مراکز روسی اجتناب کرد، بنابراین این مراکز می‌توانند در صورت حمله دوباره، نقش سپر داشته باشند. این موضوع فقط شامل نیروگاه‌های هسته‌ای نمی‌شود که روسیه ممکن است بسازد. بعید است اسرائیل عمداً نیروگاه حرارتی سیریک که با کمک روسیه ساخته می‌شود، یا تأسیسات شرکت‌های روسی نفت و گاز یا پیمانکاران روسی ساخت راه‌آهن را هدف قرار دهد. به بیان دیگر، هرچه شرکت‌های خارجی بیشتری در خاک ایران حضور داشته باشند، تعداد «مناطق امن» که اسرائیل از حمله به آنها خودداری کند بیشتر خواهد شد. در نهایت، با فروپاشی تقریباً کامل برجام، ایران حضور بازرسان خارجی در تأسیسات هسته‌ای خود را به‌طور قابل توجهی کاهش داده است. اکنون تهران نزدیک به این است که یا به‌طور کامل از بازرسی‌ها امتناع کند یا آنها را به سطحی کاملاً نمادین کاهش دهد. در چنین حالتی، روسیه تنها قدرت جهانی خواهد بود که می‌تواند درباره غیرنظامی بودن برنامه هسته‌ای ایران گواهی دهد.

موازنه متغیر

در حالی که علاقه ایران به همکاری با روسیه رو به افزایش است، نیاز کرملین به تهران بیش از پیش مورد تردید قرارگرفته. ایران دیگر شریک نظامی مهمی برای روسیه نیست، جایگاهی که در ماه‌های نخست حمله روسیه به اوکراین داشت، زیرا روسیه اکنون نسخه تغییریافته پهپادهای ایرانی را خودش تولید می‌کند، نسخه‌ای که از مدل اصلی هم پیشی گرفته. اکثر قطعات این پهپادها روسی یا چینی‌اند. از دید اقتصادی نیز ایران حتی در مقایسه با سایر کشورهای خاورمیانه شریک مهمی برای روسیه نیست. به رغم ابتکارهای مشترک فراوان، تجارت دو کشور در مقایسه با بیش از ۵۰ میلیارد دلار تجارت با ترکیه در سال ۲۰۲۴، بیش از ۱۱ میلیارد با امارات و بیش از ۹ میلیارد با مصر، در حدود ۵ میلیارد دلار باقی مانده است. البته بخشی از تجارت ایران از طریق ترکیه و امارات انجام و در آمار آن کشورها ثبت می‌شود. اما این فقط ارزش آنکارا و ابوظبی را افزایش می‌دهد، زیرا این دو کشور همچنان پیوندی حیاتی میان روسیه و جهان خارج هستند، چیزی که تهران، به دلیل غرق شدن در تحریم‌ها، قادر به تأمینش نیست. در نهایت، احتمال وقوع تنش نظامی جدید که ایران در آن درگیر باشد، از ارزش کشور به‌عنوان شریک می‌کاهد. هرچقدر هم پروژه‌های روسیه در ایران امیدوارکننده به نظر برسند، اکنون باید خطر حملات بیشتر اسرائیل را در آنها لحاظ کرد. البته این بدان معنا نیست که روسیه علاقه‌ای به توسعه روابط با ایران ندارد. مسکو به‌دنبال هر راهی برای جبران انزوای خود در غرب است و تهران همچنان بخش مهمی از این راهبرد است. اما توازن همکاری به‌طور فزاینده‌ای به نفع مسکو تغییر می‌کند. برای ایران، روسیه به شریکی حیاتی و اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده، در حالی که برای مسکو، تهران تنها یکی از مسیرهای ممکن و نه مهم‌ترین آنها به حساب می‌آید.

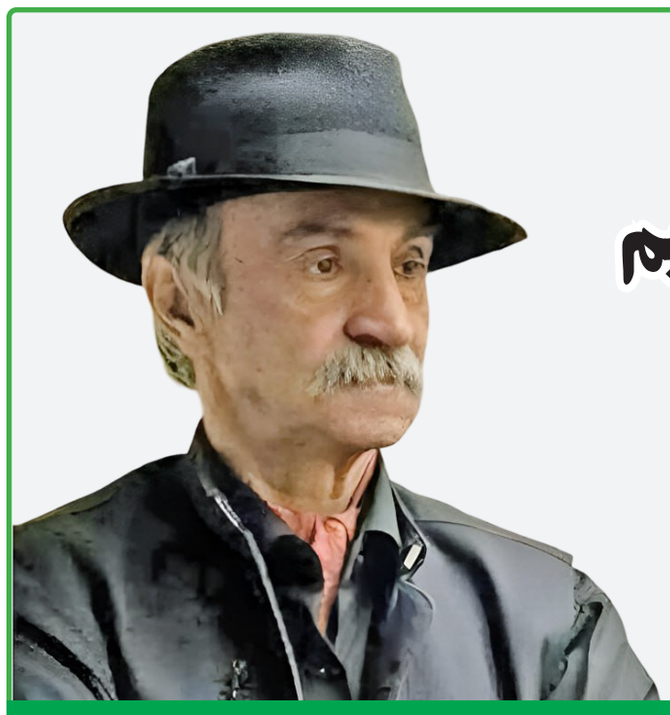

اسماعیل کهرم در گفت‌وگو با «آرمان ملی» مطرح کرد:

هم جنگل‌ها را می‌سوزانیم هم مازوت!

آرمان ملی- احسان اسقایی: گاهی باید به امور غیرتخصصی نیز رسید و به عنوان یک خبرنگار در ارتباط با موضوعاتی که جامعه با آن دست به گریبان است و آن مسائل بر زندگی انسان‌ها اثر مستقیم می‌گذارد، رسیدگی کرد تا شاید صدای مردم به گوش مقامات برسد. مساله آلودگی تهران و شاید بهتر باشد بگوییم آلودگی شهرهای بزرگ ایران و سرعت افزایش این آلودگی آنقدر مهم است که نمی‌توان از کنار آن به راحتی عبور کرد. تلفن را برداشتم و با اسماعیل کهرم فعال محیط زیست تماس گرفتم او گوشی را که برداشت سرفه می‌زد. بعد از معرفی خود به او گفتم جناب کهرم باید در مورد آلودگی تهران با شما صحبت کنم او سرفه‌ای زد و گفت همین طورکه می‌شنوی من کهرم که در طول زندگیم دخانیات مصرف نکردم و ورزش روزانه را ترک نکردم؛ هم سرفه می‌زنم که نشان از آن دارد که بالاخره ریه من هم گرفتار دود شده. به شوخی گفت ای‌کاش این دود حداقل چشمان برخی مقامات دولت را هم بسوزاند تا شاید فکری به حال ریه‌های مردم شود. هرچند او در نهایت تبیین کرد که مساله سوزاندن مازوت به دلیل افزایش تولید آن در سال‌های پیاپی به این علت که پالایشگاه‌های ما قدیمی است؛ ادامه‌دار خواهد بود. بخش مهم گفت‌وگوی «آرمان ملی» با اسماعیل کهرم در ارتباط با سرطان‌زا بودن مازوت است که در ادامه می‌خوانید

تهران اکنون از نظر شاخص‌های آلودگی در شرایط تقریبا بحرانی قرار دارد. علت این سطح از آلودگی هوا چیست؟

سعدی علیه‌الرحمه دانشمندی را اسیر دست دزدان در بیابان می‌بیند که درحال فرار است. سگ‌ها به دنبال او می‌افتند. دست به زمین می‌برد که سنگ بردارد که به سگان بزند، اما سنگ‌ها یخ زده‌اند و اعلام می‌کند اینها چه مردمی هستند که سگ‌ها را آزاد و سنگ‌ها را بسته‌اند! ما چنین کردیم از یک طرف مازوت می‌سوزانیم و از سوی دیگر جنگل‌ها را تخریب می‌کنیم و اکنون هم مشاهده می‌کنیم که همان جنگل‌ها در حال سوختن است. وقتی هم مازوت می‌سوزد و هم جنگل‌ها، دیگر چه جای سوال است که چرا به یکباره با افزایش سریع آلودگی روبه‌رو شده‌ایم؟ جنگل‌ها باعث پالایش هوای کشور می‌شود و مازوت هم می‌سوزد که باعث سرفه ما شده است.

آقای دکتر شما با شعر شروع کردید، اجازه بدهید من هم در همان حال و هوا از شما بپرسم این مازوت چیست که چشمان همه گریان اوست؟

اجازه دهید در ابتدا در مورد آثار این مازوت بگویم، مازوت صد درصد سرطان‌زاست. بنده مشاهده کردم که موش‌های آزمایشگاهی را به دستگاه‌های مازوت‌سوز می‌بندند و این بیچاره حیوانات در هر نفسی دم می‌چرخانند که نشانه درد آنهاست و بعد از حدود ۲۲ روز که این موجودات نازنین که اسباب دست آزمایش ما انسان‌ها شده‌اند، مبتلا به سرطان ریه می‌شوند. مقامات هم که کاری نمی‌توانند برای این مازوت بکنند چون پالایشگاه‌ها قدیمی است. در این شرایط شاید تنها توکل به خدا و پیغمبر لازم باشد تا باد بورزد و آلودگی‌ها را کم کند. البته قرار است بنزین گران شود، شاید دوردورها به این واسطه کم شود و کمی آلودگی کمتر شود.

جنگل‌ها پالاینده‌های محیط زیست در حال سوختن است و سوزاندن مازوت نیز گویا برای اینکه جایی برای انبار آن نداریم، ضروری است چرا این همه مازوت در پالایشگاه‌های ایران تولید می‌شود؟

مازوت ته‌دیگ و ته‌مانده نفت سیاه است. نفت که از چاه خارج می‌شود، وارد ستونی می‌شود که از بالا سوخت جت از آن خارج می‌شود و از پایین نیز بعد از اینکه سوخت‌هایی مانند بنزین سوپر و بنزین معمولی و نفت سفید و... خارج شد، در ته ستون و ته دیگ ستون، مایعی کثیف خارج می‌شود که همین مازوت نام دارد. در گذشته به این مایع نفت سیاه و نفت کوره می‌گفتند. در ۷۰ سال قبل در تون حمام‌ها که همان کوره حمام بود، این مایع سوزانده می‌شد که آنقدر کم بود که احساس نمی‌شد. در مرحله بعد ایران این مازوت را به اعراب می‌فروختند و آنها در خن (مخزن کشتی) می‌ریختند و در مناطقی که می‌زیستند و در دریاها می‌سوزاندند و بلافاصله پخش می‌شد و کشوری و شهری آزار نمی‌داد. چند سال قبل استاندارد جهانی برای مازوت تعیین شد که میزان سولفور مازوت نباید از حدی بالاتر باشد مازوت ایران ۷ برابر استاندارد جهانی بود و دیگر امارات متحده عربی آن را از ما نخرید و ما اکنون مجبور هستیم آن را بفروشیم. در میکده از ما نخریدند به جامی، آن علم که در مدرسه آموخته بودیم. اکنون اگر این مازوت را در دریا بریزیم تمام موجودات از بین می‌رود، از نهنگ تا کشتی چسب‌ها و اگر در خاک بریزیم تمام موجودات خاکی می‌میرند. اگر در هوا بسوزانیم ریه‌های انسان‌ها را از بین می‌برد. مقداری از این مازوت را هم می‌توان در مخزن ذخیره کرد و بعد از مدتی مخازن ما پر می‌شود. هر روز مازوت تولید می‌شود چون پالایشگاه کار می‌کند. نبود جا برای ذخیره و عدم فروش آن هم هست و از سوی دیگر گاز هم کم داریم، در نتیجه راهی نمی‌ماند جز اینکه مازوت را بسوزانیم.

> هر روز مازوت تولید می‌شود چون پالایشگاه کار می‌کند. نبود جا برای ذخیره و عدم فروش آن هم هست و از سوی دیگر گاز هم کم داریم، در نتیجه راهی نمی‌ماند جز اینکه مازوت را بسوزانیم

فقط مازوت علت آلودگی هواست؟

همه علت‌ها به مازوت‌سوزی باز نمی‌گردد بلکه در میان صنایع ما صنایعی هست که آلایندگی تولید می‌کنند. بخش زیادی از علت آلودگی هوا به صنایعی برمی‌گردد که که به خاطر تحریم‌ها به روزرسانی نمی‌شود. تحریم‌ها اجازه نمی‌دهد ما بر چالش بزرگی به نام به‌روزرسانی نیروگاه‌ها و پالایشگاه‌ها فائق آییم.

نمی‌شود کاری کرد که نیروگاه‌ها، پالایشگاه‌ها و صنایع آلاینده آلودگی کمتری داشته باشد؟

چرا نمی‌شود، کاری در دنیای امروز نشد ندارد صنایع فیلترینگ در دنیای امروز این مساله را حل کرده است. در بسیاری از شهرهای بزرگ جهان و شهرها توسعه یافته، نیروگاه‌ها وسط شهر قرار گرفته‌اند و فعالیت هم می‌کنند اما آلودگی تولید نمی‌کنند. بنده در زوریخ مشاهده کردم که نیروگاه بزرگی در وسط شهر قرار داشت که گازوئیل می‌سوزاند اما این نیروگاه مجهز به فیلترهای قدرتمندی بود که هوای پاک از خروجی این نیروگاه بیرون می‌آمد. آنها فیلترهای بزرگ و باکیفیتی هستند و چنان دود ناشی از کار نیروگاه را تصفیه می‌کنند که به جای دود، بخار خارج می‌شود. اکنون عکس‌های نیروگاه شازند را بررسی کنید، مشاهده می‌کنید که دود عظیمی از این نیروگاه خارج می‌شود و تا چندین کیلومتری همه چیز را از بین می‌برد. سوال این است کشور ثروتمند که هر نقطه‌ای از آن معدن است، چرا باید وضع دولت به‌گونه‌ای باشد که نتواند فیلترهای موثر و قدرتمند را بخرد؟

> راهکار این است که باید استاندارد سوخت را بالا برد، باید خودروی استاندارد تولید کرد، باید از فیلترهای پالاینده استفاده کرد، باید در بلندمدت جنگل کاشت و البته باید به انرژی‌های تجدیدپذیر هم اهمیت داد

چرا ما از این فیلترها استفاده نمی‌کنیم؟

اولا تحریم هستیم و کشورهای سازنده این فیلترها نمی‌توانند به ما فیلتر بفروشند چون هراس دارند که تحریم شوند. در نتیجه بازار جهانی را به بازار ایران ترجیح می‌دهند ضمن اینکه فنآوری و دانش ساخت این فیلترها را هم نداریم. البته اینکه بتوانیم این فیلترها را بخریم باید گفت ممکن است و بالاخره امکان دارد که با وجود تحریم‌ها اینها را خرید، اما از سوی دیگر پولی برای خرید این فیلترها نداریم. چون آن پولی که به دست دولت می‌رسد، در موضوعات دیگر خرج می‌شود. برای مخارج عجیب پول داریم اما برای خرید فیلتر برای نیروگاه‌ها مازوت‌سوز و صنایع آلاینده پول نداریم. یک بار هم شده باید برای ریه‌های مردم و برای حفظ محیط زیست هزینه کنیم. سازمان محیط زیست با بودجه اندک اداره می‌شود. من با یک محیط‌بان صحبت کردم، او می‌گفت من محیط‌بان به خاطر حقوق پایین نمی‌توانم برای دیدن خانواده‌ام از محل کار به محل زندگی سفر کنم. این محیط‌بان حتی اگر علاقه به محیط زیست داشته باشد دیگر علاقه‌ای به کار خود نخواهد داشت.

در شرایط کنونی برای مقابله با مازوت‌سوزی نمی‌توان به سمت استفاد از پنل‌های خورشیدی برای تولید برق حرکت کرد؟ روز گذشته یک کارشناسان محیط زیست اعلام کرد که در یک هفته برابر تولید یک سال انرژی خورشیدی تولید می‌کنیم. آیا با تولید انرژی خورشیدی می‌توان امیدی به بهبود وضعیت و کیفیت هوا داشت؟

سه‌بار بنویسید خیر، خیر، خیر! چرا؟ چون هنوز هم عمده سرمایه‌گذاری در کشورهای جهان روی نفت، بنزین و گاز است و یک درصد این سرمایه‌گذاری روی انرژی‌های تجدیدپذیر نیست. کافی است یک دهم گرد و غبار روی خورشید را بگیرد، میزان تولید انرژی آن نمی‌تواند یک پنکه را به حرکت درآورد. آیا صد درصد برق یک مدرسه با توسل به پنل‌های خورشیدی تامین شده که قصد داشته باشیم کلانشهری مثل تهران را با این پنل‌ها از برق نیروگاه‌ها معاف کنیم؟ تهران ۱۲ میلیون نفر جمعیت دارد. این کارشناسان یا می‌دانند و این حرف را می‌زنند که می‌شود خیانت و یا نمی‌داند. اگر نمی‌داند و مسئولیتی هم دارد، مقامی بی‌اطلاع است و لطفا در خانه خود بنشیند و رسانه‌ها هم به این افراد تریبون ندهند.

از نظر شما راهکار چیست؟

راهکار همان اقدامی است که در جهان صورت می‌گیرد. راهکار این است که باید استاندارد سوخت را بالا برد، باید خودروی استاندارد تولید کرد، باید از فیلترهای پالاینده استفاده کرد، باید در بلندمدت جنگل کاشت و البته باید به انرژی‌های تجدیدپذیر هم اهمیت داد، اما اینکه فکر کنیم این انرژی جایگزین نفت خواهد شد در حال حاضر امکان‌پذیر نیست.

قاسم محبعلی:

بعید است که تنها توافق هسته‌ای مانند برجام صورت بگیرد

سفیر سابق ایران در مالزی و یونان، در رابطه با ارزیابی خود از گفت‌وگوی وزیر امور خارجه کشورمان با همتای فرانسوی خود و احتمال گشایش مسیری تازه برای مذاکرات با غرب گفت: بعد از اتفاقی که در شورای امنیت افتاد و تمدید قطعنامه‌های گذشته و احیای اسنپ بک، بحث اروپایی‌ها این بود که ما همچنان متعهد به دیپلماسی هستیم. محمدقاسم محبعلی گفت: در جلسه اخیر آژانس هم آن‌ها با همکاری آمریکا قطعنامه‌ای تصویب کردند که شرایط و تکالیفی برای آژانس ایران در زمینه ادامه مناقشه هسته‌ای تعیین شد. در آنجا هم دوباره تأکید کردند که هدف از این اقدامات حل و فصل از طریق دیپلماتیک است. شروط آنها شروط خاصی است و حالا اینکه آیا این مذاکرات منجر به این سفر و مذاکرات مجدد خواهد شد، باید صبر کرد و دید نتیجه آن چه خواهد شد. وی در پاسخ به این سوال که به نظر شما این گفت‌وگوها با اروپا، با توجه به اینکه اروپاییان گفته‌اند که باید با آمریکا مذاکره کنید، می‌تواند مقدمه‌ای برای گفت‌وگو با آمریکا باشد، عنوان کرد: این امیدواری وجود دارد که اگر این مذاکرات مثبت باشد در نهایت ایران و آمریکا گفت‌وگو کنند و نهایتاً مجموعه اروپا و آمریکا به توافقی با ایران برسند که برنامه هسته‌ای ایران به حالت عادی برگردد و تحریم‌ها برداشته شود. البته به نظر نمی‌رسد که در این گفت‌وگوها تنها بحث هسته‌ای مورد مذاکره قرار گیرد. این تحلیل‌گر مسائل بین‌الملل در رابطه با این احتمال که ممکن است بتوانیم با کارت اروپایی‌ها آمریکا را راضی کنیم، تصریح کرد: همه چیز به تصمیم طرفین بستگی دارد. اگر طرفین نخواهند دوباره به درگیری برسند، تنش افزایش پیدا کند و احتمال درگیری‌های نظامی پیش بیاید، باید به سمت گفت‌وگو بروند. گفت‌وگو هم طبیعتاً موضوعاتی دارد که طرفین نسبت به آن مایل به گفت‌وگو هستند. دستور کار گفت‌وگوها باید توسط طرفین تعیین شود و بر سر موضوعاتی که توافق می‌کنند، گفت‌وگو انجام شود. وی ادامه داد: موضوعاتی ممکن است وجود داشته باشد که توافقی در آن‌ها نباشد و به زمانی دیگر موکول شود. تا زمانی که طرفین در مجموعه موارد مورد نظر نگران هستند و به توافق نرسیده‌اند، نمی‌توان گفت که توافق انجام شده است. با توجه به تحولاتی که در سال‌های اخیر رخ داده، بعید است که تنها توافق هسته‌ای مانند برجام صورت بگیرد و احتمالاً باید منتظر توافق جامع‌تری بود. مدیرکل پیشین خاورمیانه و شمال آفریقا در وزارت خارجه درباره ارزیابی خود از صحبت‌های اخیر آقای لاریجانی مبنی بر اینکه راهی جز نابودی اسرائیل نداریم و صبرمان نیز تمام شده است، اظهار کرد: صحبت‌های تبلیغاتی یک بحث است و صحبت‌های اعلامی یک بحث دیگر. طرف مقابل نیز ممکن است از این حرف‌ها داشته باشد یعنی آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها هم ممکن است چنین نظراتی داشته باشند. حالا اگر چنین چیزی حقیقت داشته باشد و اگر سیاست اعمالی و اعلامی با هم منطبق باشد، باید منتظر یک جنگ دیگر بود و معلوم است که موازنه قوا به نفع ایران نیست.

ذره بین

تشدید تحریم شبکه فروش ایران از سوی آمریکا

واشنگتن چگونه مانع خرید نفت می‌شود؟

از سال ۲۰۲۰ تاکنون، مسأله فروش نفت ایران به چین تبدیل به یکی از اهرم‌های چانه‌زنی واشنگتن برای «کنترل رفتار ایران» و مجبور کردن این قدرت منطقه‌ای به پذیرش شروط اتمی غرب شده است. اقتصادآنلاین نوشت؛ با آنکه تهران و پکن همواره مدعی‌اند که روابط دوجانبه میان دو کشور به صورت مستقل و براساس منافع دوجانبه دنبال می‌شود، اما تداوم شریان «تصفیه» فروش نفت ایران در امارات عربی متحده سبب شده تا این دو بازیگر تجدید نظر طلب روابط پرفراز و نشیبی را در جریان روابط نفتی-تجاری خود تجربه کنند. در سال‌های اخیر وقوع بحران اوکراین و لزوم متنوع‌سازی بازار انرژی چین، به ویژه در زمینه نفت ذخیره سبب شد تا سهم ایران به شکل قابل توجهی در سبد نفتی «بیجینگ» افزایش یابد، اما امروز به نزدیک شدن «صلح» در اوکراین و در عین حال اراده دولت آمریکا برای بازتنظیم نظم خاورمیانه سبب شده است تا روند فروش نفت ایران به مقصد شرق آسیا بیش از گذشته پیچیده شود.

کاهش خرید نفت؟

جیسون برودسکی کارشناس ارشد موسسه «خاورمیانه» در توئیتی به نقل از مقاله اخیر «بلومبرگ» مدعی شد که با کاهش درخواست چین، میزان نفت خام نگهداری شده از ایران در دو و نیم سال گذشته رسیده است. این تحول جدید نشان دهنده کاهش تقاضای نفت از سوی بزرگ‌ترین خریدار نفت تهران یعنی جمهوری خلق چین است. چنین اتفاق منفی در حال رخ داده است که اوپک «چراغ سبز» افزایش نفت را به ایران داده و تهران چشم‌انداز مثبتی در خصوص صادرات چین به مشتریان سنتی خود، حتی هندی‌ها داشت. این تحول جدید اثبات کننده این نکته است که واشنگتن همچنان پرونده ایران و محور مقاومت در منطقه را «حل نشده» می‌داند و قصد دارد تا با استفاده از اهرم تحریم اقتصادی، نظام را مجبور به تغییر رفتار در حوزه‌های اتمی، نظامی و برنامه منطقه‌ای کند. این فشار حداکثری در حالی به ایران تحمیل می‌شود که هیچ ما به ازای مشخصی به عنوان «پاداش» در نظر گرفته نشده و حتی تضمین محکمی در خصوص «عدم حمله مجدد» اسرائیل به تهران داده نمی‌شود.

آمریکا و نفت ایران

یکی دیگر از آخرین اقدامات اوفک (اداره کنترل دارایی‌های خارجی آمریکا) علیه شبکه فروش ایران، هدف قرار دادن بیش از پنجاه فرد، نهاد و کشتی را به دلیل ارتباط با ایران بود. شرکت هواپیمایی یزد که به گفته آنها در فروش نفت ایران و ارسال سلاح برای گروه‌های مقاومت دست دارد در بین تحریم‌شدگان است. وزارت امور خارجه آمریکا ۱۷ نهاد، فرد و کشتی را در چندین کشور، از جمله در هند، پاناما و سیشل که به گفته این وزارت خانه در فروش نفت و فرآورده‌های نفتی ایران دخیل هستند، تحریم کرده است. همزمان وزارت دارایی آمریکا هم اعلام کرد چند فرد و ۲۰ شرکت، ۱۰ کشتی و ۷ هواپیما را تحریم می‌کند. در بیانیه این وزارت خانه آمده است که «ایجاد اخلال در جریان‌های مالی و تجاری که از فعالیت‌های مخرب ایران حمایت می‌کنند»، ادامه خواهد داشت. پیش از این وزارت خزانه‌داری ایالات متحده، چهارشنبه نهم مهر از اعمال تحریم‌های جدید مرتبط با ایران خبر داد. بر اساس گزارش منتشرشده در وب‌سایت وزارت خزانه‌داری آمریکا، تحریم‌های تازه تعدادی از افراد و نهادها از ایران و چین را در چارچوب قانون منع اشاعه تسلیحات هسته‌ای هدف قرار می‌دهد. در بیانیه طرف آمریکایی آمده این افراد و نهادها در شبکه‌هایی نقش دارند که به ایران در خرید غیرقانونی قطعات مربوط به موشک‌های زمین به هوای پیشرفته، رادارها، فناوری هدایت موشک و حتی یک بالگردهای ساخت آمریکا کمک کرده‌اند.

فشار حداکثری

با توجه به رخدادهای جاری در منطقه غرب آسیا عدم قطعیت در خصوص حمله یا عدم حمله مجدد به ایران و سایر ارکان مقاومت به اوج خود رسیده است. گروهی از کارشناسان معتقدند که نزدیک بودن انتخابات میان دوره‌ای در آمریکا و در عین حال نزدیک بودن انتخابات پارلمانی در سرزمین‌های اشغالی سبب خواهد شد تا سال ۲۰۲۶ برای ترامپ- نتانیاهو، «سال احتیاط» باشد و آنها تمایلی به پذیرش «ریسک ژئوپلیتیکی» جدید در منطقه غرب آسیا نداشته باشند. در این سناریو «فشار حداکثری» از طریق تحریم‌های اقتصادی هدفمند بهترین ابزار برای مهار و کنترل رفتار ایران ارزیابی می‌شود.

نه جنگ؛ نه صلح

در سوی مقابل عده‌ای دیگر از تحلیل‌گران معتقدند عدم تحقق کامل اهداف آمریکا-اسرائیل در جنگ ۱۲ روزه ایجاب می‌کند تا آنها پیش از نزدیک شدن زمان انتخابات، بازسازی بخش عمده‌ای از استعدادهای آفندی- پدافندی ایران و در عین استفاده از فرصت کم‌هزینه بودن درگیری با محور مقاومت مرحله دوم درگیری با ایران را آغاز کنند. در این سناریو حملات هدفمند به مراکز نظامی- حیاتی و ترور افراد عالی رتبه در ایران می‌تواند فشار را برای هیات حاکمه در تهران افزایش داده و آنها را به سمت پذیرش اجباری خواسته‌های ترامپ سوق دهد. فارغ از آنکه کدام سناریو به واقعیت نزدیک‌تر باشد به نظر می‌رسد تهران چشم‌انداز مثبت امنیتی-اقتصادی در پیش رو ندارد. در چنین شرایط تحلیل‌گران می‌گویند که کشور ضمن آمادگی در حوزه‌های دفاعی- امنیتی، باید آماده بررسی ابتکارات بازیگران میانجی برای خروج از وضعیت «نه جنگ، نه صلح» باشد. اما باید دید که سفر عباس عراقچی وزیر خارجه به پاریس نخستین گام در این مسیر خواهد بود یا نه.